



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

درس نهم

معاد

از منظر

تفهم
الاسلام

سید کاظم لاریجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از منظر نهج البلاغه

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

هوشمند

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	معاد از منظر نهج البلاغه جلد ۹
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	معنای لغوی معاد:
۱۵	قرآن و معاد
۱۶	توصیف مرگ و معاد
۲۱	آثار اعتقاد به معاد
۲۱	۱- آرامش خاطر
۲۲	۲- احساس مسئولیت
۲۴	۳- هدفمندی و آینده نگری:
۲۷	آفرینش بی هدف نبوده
۲۹	فصل بهار نمونه ای از قیامت
۳۰	مرگ و برزخ
۳۸	زنده شدن مردگان:
۳۹	نامه عمل
۴۲	پاسخ به سؤالات:
۴۶	سنجش اعمال
۴۸	عبور از پل دوزخ
۵۱	بهشت و جهنم
۵۴	درباره مرکز

سرشناسه : ارفع، سید کاظم، 1323 -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه .فارسی - عربی . برگزیده. شرح

Nahjol-Balaghah .Persian- Arabic . Selection. Commantries

عنوان و نام پدیدآور : معاد از منظر نهج البلاغه [کتاب] / نویسنده سیدکاظم ارفع.

مشخصات نشر : تهران : هوشمند، 1393.

مشخصات ظاهری : 47ص.؛ 14/5×21/5س م.

شابک : 0-7-94484-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : چاپ قبلی: پیام عدالت، 1382.

یادداشت : بالای عنوان: درس نهم.

عنوان دیگر : درس نهم.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- دیدگاه درباره معاد

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. . نهج البلاغه -- معاد

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Eschatology

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. . نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Criticism and interpretation

موضوع : معاد

موضوع : (Resurrection Islam)

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. . نهج البلاغه. برگزیده. شرح

شناسه افزوده : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghahba

رده بندی کنگره : BP38/09 /م6الف4 1393

رده بندی دیویی : 297/9515

شماره کتابشناسی ملی : 3607017

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

درس نهم

معاد از منظر نهج البلاغه

ص: 4

فهرست مطالب

- معنای لغوی معاد:.....3
- قرآن و معاد.....5
- توصیف مرگ و معاد.....6
- آثار اعتقاد به معاد.....10
- آرامش خاطر.....10
- 2-احساس مسئولیت.....11
- 3-هدفمندی و آینده نگری:.....13
- آفرینش بی هدف نبوده.....15
- فصل بهار نمونه ای از قیامت.....17
- مرگ و برزخ.....19
- زنده شدن مردگان:.....26
- نامه عمل.....27
- پاسخ به سؤالات:.....29
- سنجش اعمال.....33
- عبور از پل دوزخ.....35
- بهشت و جهنم.....37

معنای لغوی معاد:

در تمام قرآن واژه معاد یکبار آمده و راغب اصفهانی درباره آن می گوید:

«وَقَدْ يَكُونُ لِلْمَكَانِ الَّذِي يُعُودُ إِلَيْهِ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»

گاهی معاد یعنی مکان آنچنانی که به آن بازگشت خواهیم کرد. چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ای رسول ما! آن که هم قرآن را بر عهده تو گذاشت، تو را به جایگاهت باز می گرداند.

راغب در ادامه می گوید عده ای می گویند منظور بازگشت به مکه است ولی صحیح آن چیزی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بدان اشاره فرموده و ابن عباس آن را بیان کرده که معاد در آیه اشاره به بهشت آنچنانه ای است که بالقوه آن را خلق نموده است.

از واژه معاد که بگذریم لغات دیگری که حکایت از بازگشت ما به مکان و جایگاهی که دارای خصوصیات و شرایط ویژه است در قرآن و روایات فراوان به چشم می خورد.

به چند آیه از قرآن شریف و یک خطبه از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توجه کنید:

«وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ»

روم - 27

خداست که خلق موجودات را آغاز کرد. سپس آنها را باز

ص: 7

می گرداند و این کار برای او آسانتر است.

«فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا»

اسراء - 51

می گویند: چه کسی ما را زنده می کند؟ بگو: همان کسی که بار اول شما را آفرید. آنگاه سر خود را تکان می دهند و می گویند: این معاد کی واقع می شود؟ بگو شاید زمان آن نزدیک است.

«وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا، مَّ يَعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا»

نوح 17 و 18

و خداوند ما را مانند نباتات از زمین رویانید. آنگاه دوباره به و زمین برگردانید و بار دیگر شما را از خاک خارج خواهد کرد.

موسی (علیه السلام) گفت:

«إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»

غافر - 27

از شر هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد به خدای خود و شما پناه می برم.

عیسی (علیه السلام) میگفت:

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا»

درود بر من روزی که متولد شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره معاد می فرماید:

«وَذَلِكَ يَوْمٌ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ لِنَقَاشِ الْحِسَابِ وَجَزَاءِ الْأَعْمَالِ خُضُوعًا قِيَامًا، قَدَّ الْجَهَنَّمُ الْعَرَقُ وَرَجَفَتْ بِهِمُ الْأَرْضُ، فَأَحْسَنُهُمْ حَالًا مَنْ وَجَدَ»

ص: 8

قیامت روزی است که خداوند تبارک و تعالی انسانهای اولین و آخرین را برای محاسبه دقیق اعمالشان جمع می کند تا به کیفر و یا پاداشی که استحقاق دارند برسند.

همگی در حال خضوع و فروتنی بر پا ایستاده اند و عرق تا گوشه دهنهایشان روان و زمین زیر پایشان لرزان است. در آن جمع حال آن کسی بهتر است که برای ایستادن خود به اندازه جای دو پا مکانی را یافته و برای راحتی خود محل وسیعی به دست آورده باشد.

قرآن و معاد

در تقسیم بندی آیات قرآن شریف بیشترین آیات را درباره مسئله معاد مشاهده میکنیم و حتی از مبحث توحید و خداشناسی آیات معاد فزون تر است.

قرآن کریم از اول تا آخر به مناسبتهای گوناگون سخن از روز قیامت و حالات آن به میان آورده که هیچ کتاب آسمانی مثل آن به این موضوع مهم اعتقادی نپرداخته است.

و از همین جا ما به اهمیت موضوع معاد و اعتقاد به آن پی می بریم و باور می کنیم که این اصرار قرآن بی حکمت نیست و بی شک سعادت و نیکبختی ما انسانها در گرو ایمان به جهان آخرت و فراهم نبودن وسایل و ابزار لازم برای رسیدن به ثوابها و پاداش آن جهان است. قرآن تعبیرهای جالبی برای این موضوع و ارزشمند و زندگی جاوید دارد.

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

این زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی چیزی نیست. زندگی واقعی در خانه آخرت است، اگر مردم بفهمند.

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»

نساء - 87

خدای یکتا که خدایی جز او نیست، همه شما را در روزی که و تردیدی در آن نیست. جمع خواهد کرد و چه کسی از خدا راستگوتر است.

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»

غافر - 39

ای مردم، زندگانی دنیا کالای ناچیزی بیش نیست، ولی و آخرت خانه آرامش است

آری موضوع معاد از ضروریات دین اسلام بلکه همه ادیان آسمانی است و فقط دهریون و منکرین خدا هستند که منکر معاد نیز می باشند و میگویند:

«وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»

و ما را جز دهر و روزگار از بین نمی برد!!

جاثیه - 23

توصیف مرگ و معاد

مولایمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توصیف بسیار جالبی از مرگ و برزخ و معاد انسان دارد که کمتر دیده شده کسی همانند آن گرامی بدین زیبایی حالات احتضار و حوادث بعد از آن را. کم تبیین کرده باشد «خدایا منی تو، خالق و معبود همه موجودات هستی. پروردگارا، تو را برای آن که امتحان خوبی از مخلوقات نمودی ستایش می کنم.

خانه ای را آفریدی (بهشت) که انواع نوشیدینها و خوراکیها

ص: 10

و همسران و خدمتکاران و کاخها و نهرها و محصولات زمینی و میوه های درختی در آن موجود است. کسی را مأمور کردی تا مردم را به استفاده از آن نعمتها دعوت کند

«لَا الدَّاعِيَ أَجَابُوهَا وَلَا فِيهَا رَغَبَتْ إِلَيْهِ رَغْبُوهَا وَلَا إِلَىٰ مَا شَوَّتَ إِلَيْهِ اسْتَأْفُوهَا»

ولی آن مردم نه این دعوت را قبول کردند و نه به آنچه آنها را به آن ترغیب نمودی میل نشان دادند و به خوشیهایی که تشویق فرمودی مشتاق نگشتند.

به دنیای چون مردار روی آوردند و با خوردن آن خود را رسوا کردند و در اظهار علاقه به دنیا با هم هم‌رنگ شدند.

هر کس به چیزی عشق ورزد، چشمش از دیدن عیبهای آن کور و قلبش بیمار می‌گردد و با چشمی بیمارگونه به مسائل می‌نگرد. و با گوشی ناشنوا به حرفها گوش می‌دهد.

شهوتها و هواهای نفسانی عقل او را فاسد کرده و دنیا دلش را می‌رانده و شیفته خود کرده است.

او بنده دنیاست و بنده هر کسی است که چیزی از دنیا در اختیار دارد. هر کجا دنیا برود، او نیز همانجا رهسپار می‌گردد.

حرف هر که را که از جانب پروردگار او را از زشتیها نهی نماید، نمی‌پذیرد. در حالی که می‌بیند فریب خوردگان دنیا گرفتار و اسیر مرگ هستند. نه بخشش شامل حالشان می‌شود و نه راه بازگشت به دنیا را دارند. چگونه به چیزی که فکرش را هم نمی‌کردند مبتلا شدند. از

دنیایی که با آسودگی خاطر زندگی می کردند جدا شدند و به آخرت، یعنی همان وعده گاه الهی نایل آمده اند.

سختی هایی که برای آنها وارد می شود قابل توصیف نیست، سختی جان کندن و غم و اندوه از دست دادن همه چیز دنیا و دست و پایشان را سست می کند و رنگ از رخسارشان می پرد. اثر مرگ بر آنها آن قدر زیاد است که میان یک یک آنها با سخن گفتن او جدایی می افتد و زبان از سخن گفتن باز می ماند. آری او در بین خانواده در بستر مرگ افتاده، با چشمانش می بیند و با گوشه‌هایش میشنود، عقلش سالم و درکش هنوز باقی است در این فکر است که عمر خود را چگونه در راه باطل و مصرف کرده و روزگار خویش در چه چیزهایی تمام نموده است. و در این لحظات به یاد می آورد که در حلال و حرام بودن اموالی که پس انداز نموده دقت نکرده در این رابطه سهل انگاریهایی داشته است و از اموال شبه ناک استفاده کرده و اکنون آنچه دارد گناهش بر ذمه او خواهد بود.

در این هنگام به خاطر سختی هایی که در اثر سكرات مرگ برایش پیش آمده پشیمان گشته، انگشت خود را از پشیمانی میگذرد و به آنچه در دنیا بدان اظهار تمایل می کرد. بی میل میگذرد و آرزو می کند که ای کاش کسی که در دنیا به ثروت او حسرت می خورد، صاحب این ثروت می شد و او چنین ثروتی را جمع نمی کرد. در این موضع است که مرگ به طور جدی در بدن او ظاهر می گردد. تا اینکه گوش او مثل زبانش از کار می افتد. در ل ه بین خانواده اش به وضعی در می آید که نه قدرت سخن گفتن دارد و نه توان شنیدن. دیده را برای نگریستن چهره های و اطرافیان باز می کند، فقط حرکت زبان آنان را می بیند ولی

سخنانشان را نمی شنود.

در این لحظه آثار مرگ بیشتر شده قدرت بینایی را هم از او میگیرد همان طور که گوشش از کار افتاد و اینجاست که جان از بدنش خارج می گردد.

پس به مانند اهلیت خویش مرداری می گردد به گونه ای که از اطرافیان از او وحشت میکنند و از نزدیک شدن به او کراهت دارند.

نه گریه کننده ای را همراهی می کند و نه صدا زننده ای را پاسخ می دهد. سپس او را به نقطه ای از زمین برده و در قبر جای می دهند او را با عملش تنها گذارند و برای همیشه دیده از دیدار او بر دارند.

«حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ الْأَمْرُ مَقَادِيرَهُ وَ الْحَقُّ آخِرُ الْخَلْقِ بِأَوَّلِهِ، وَ جَاءَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا يُرِيدُهُ مِنْ تَجْدِيدِ خَلْقِهِ، أَمَادَ السَّمَاءِ وَ فَطَرَهَا وَ أَرَجَّ الْأَرْضَ وَ أَرْجَفَهَا»

تا آنکه کتاب سرنوشت جهان پایان پذیرد و قضای الهی فرا رسد و آخرین مخلوقات به اولین آنها ملحق گردند و اراده پروردگار بر آن خواهد شد که تجدید خلق کند و مرده ها را زنده نماید.

در این هنگام آسمان را به حرکت در آورده و میشکافد و زمین را تکان داده سخت بلرزاند.

کوهها را از زمین می کند و پراکنده می سازد چنانکه از هیبت و عظمت پروردگار بعضی از کوهها به بعضی دیگر کوبیده می شود.

آنگاه هر که به خاک سپرده شده از زمین بیرون می آورد و

به پس از پوسیدگی و کهنگی تازه شان می نماید و آنها را بعد از پراکندگی گرد یکدیگر می آورد.

سپس برای آنچه اراده فرموده از سؤال و پرسش از اعمال و کردار پنهانی آنها جدایشان می نماید و به دو دسته تقسیم و می کند، دسته ای را نعمت عطا می فرماید و از گروهی انتقام می گیرد.

خداوند تبارک و تعالی پاداش بندگان مطیع خویش را جوار رحمت خانه جاودانی خود قرار میدهد. جایی که داخل شوندگان از آن خارج نشوند و تغییر حالت ندهند. ترس و بیماری به آنها روی نیاورد و گرفتار خطرها نشوند و ناراحتی سفر و رفتن و از جایی به جای دیگر آنها را ناراحت نمی کند.

ولی گنهکاران را در بدترین مکان وارد می کند، دستهایشان را با غل و زنجیر به گردنشان می بندد، پیشانیهایشان را تا به قدمها پیوسته گرداند لباس بدبو و آتشین بر تنشان کند. در عذابی باشند که گرمی آن بسیار سوزنده است و در خانه ای هستند که در آن بر ساکنانش بسته است.

در آتشی زبانه کشیده و پر صدا با زبانهای سوزان جای دارند. کسی که در آن مقیم است قدرت بیرون آمدن ندارد و از اسیر و گرفتار آن مالی برای نجات از اسارت قبول نمی شود.

غلهها و زنجیرهایش پاره شدنی نیست. زمان آن محدود نیست که پایان رسد و ساکنان آن را اجلی نیست که از عذاب رهایی یابند.

(خطبه-108)

ص: 14

1- آرامش خاطر

انسان معتقد به جهان آخرت نسبت به آنانی که زندگانی بشر را محدود به دنیا می کنند و به غیب و آنچه محسوس به حواس نیست ایمان ندارند تفاوتی دارد.

مؤمنین به معاد نوع زندگانی و نگرش آنها به مسایل اطراف ایشان همراه با آرامش و اطمینان است بر خلاف کسانی که چنین اعتقادی را ندارند و همواره گرفتار اضطراب و نگرانی هستند.

بارها دیده شده منکرین معاد وقتی به آخر خط می رسند دست به خودکشی می زنند تا از آنچه در آن گرفتار آمده اند رهایی یابند در حالی که مؤمنین به آخرت و آنهایی که امید به لقاء الله در کانون قلبشان لبریز است هیچگاه مرگ را به منزله مه پایان زندگی تصور نمی کنند.

قرآن در ترسیم هر دو چهره چنین می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ، أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

(یونس - 7 و 8)

آنانی که به ملاقات با ما دل نبسته اند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و به آن مطمئن شده اند و آنانی که از آیات ما غافلند، هم آنها جایشان به خاطر کارهایی که انجام داده اند، آتش است.

«أَمْ مَنْ هُوَ قَائِمٌ أَنْتَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر-9)

آیا آن کسی که در دل شب به خاک می افتد و در حال سجده و قیام است و از آخرت می ترسد و امید به رحمت پروردگارش دارد،

مانند غیر اوست؟ آیا آن کسی که می داند، با کسی که نمیداند، یکسان است؟ البته عاقلان به خود می آیند.

آری تصدیق قیامت و باور کردن جهان آخرت روح امید و آرامش را در انسان تقویت میکند. درست است که انسان به طور های طبیعی از ناملایمات و سختیهای زندگی می نالد ولی عبادت و بندگی پروردگار و یاد خدا و یاد مرگ و قیامت او را آرام می کند و دلش را محکم می سازد.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ. وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيْنَ الدِّينِ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ»

(معارج - 19 تا 27)

این انسان، حریص خلق شده، هر وقت گرفتار شتری می شود بیتابی می کند، و هر وقت خوبی به او می رسد، بخل می ورزد، مگر نمازگزاران، آنهایی که نمازها را پیوسته به جا می آورند، و آنهایی که در ثروتهايشان حق معلومی است، برای سائل و محروم، و آنهایی که روز پاداش را تصدیق می کنند، و همان هایی که از عذاب پروردگارشان می ترسند.

2- احساس مسئولیت

کسی که معتقد به جهان آخرت و حساب و کتاب آن عالم کم است احساس می کند که مسئول است و درباره کارهایش مورد مؤاخذة و سؤال قرار خواهد گرفت بر همین اساس در دنیا به قول معروف دست به عصا راه می رود و تلاش می کند از مرز شرع مقدس خارج نشود چون باور دارد که یک روز باید آنچه را که

ص: 16

انجام میدهد پاسخگو باشد.

«وَلَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»

(نحل - 93)

و از آنچه انجام داده اید، شما را بازخواست خواهد کرد.

«وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا»

(کهف - 49)

و آنچه انجام داده اند در برابرشان حاضر می بینند.

چگونه احساس مسئولیت در اعتقاد به معاد به وجود می آید؟ بدین طریق که شخص با ایمان و کسی که باور قرآنی دارد با برخورد به آیاتی همانند آیات فوق احساس می کند که تمامی اعمال و رفتارش زیر نظر خداوند قادر و عالم است و چیزی را از قلم نمی اندازد و به ریز و درشت اعمال رسیدگی خواهد کرد و همین برای او کافی است که مواظب رفتار و کردارش باشد.

و همان طور که مولایمان علی (علیه السلام) فرمود: پایان کار قیامت است و کافی است آدم عاقل از همین اعتقاد موعظه شود و پندگیرد.

«فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ وَكَفَى بِذَلِكَ وَاعِظًا لِمَنْ عَقَلَ»

همان گرامی از بی مسئولیتی انسانها و بی توجهی به مسئله مرگ و معاد شکایت میکند و می فرماید:

«فَصَارَتِ الدُّنْيَا أَمْلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَالْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ»

یاد مرگ و معاد در دلهای شما نیست، آرزوهای دروغ مکرّم وجودتان را پر کرده در نتیجه دنیا از آخرت بر شما بیشتر مسلط شده است.

«مَا بِالْكُمْ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُدْرِكُونَهُ وَ

ص: 17

«وَلَا يَحْزُنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تَحْزُنُكُمْ»

این حسابی است که به کم دنیا که به دست می آورید خوشحال می شوید ولی وقتی چیزهای فراوانی از آخرت از دستتان می رود اندوهناک نمیگردید؟!

«قَدْ تَصَافَيْتُمْ عَلَى رَفْضِ الْآجَلِ وَ حُبِّ الْعَاجِلِ وَ صَارَ دِينُ أَحَدِكُمْ لُغَةً عَلَى لِسَانِهِ صَنِيعَ مَنْ قَدْ فَرَّغَ مِنْ عَمَلِهِ وَ أَحْرَزَ رِضَى سَيِّدِهِ» (خطبه 112-)

در ترک آخرت و علاقه به دنیا با هم مشترکید و دین فقط بر سر زبانهایتان می باشد. رفتار شما شبیه کسی است که از کردار خویش فارغ شده و خشنودی مولای خود را فراهم کرده است.

3- هدفمندی و آینده نگری:

یکی دیگر از آثار و نتایج اعتقاد به معاد هدفمندی و آینده نگری است. کسی که معتقد به روز قیامت و پاداش است دنیا را مزرعه آخرت و جای آباد کردن رستاخیز میداند و مانند منکرین معاد به پوچی و لغو بودن آفرینش خویش نمی رسد بلکه با اراده ای قوی برای اهدافی عالی و بلند که همانا نیل به جزا و پاداشهای ارزشمند الهی در جهان آخرت است تلاش می کند و همین آینده نگری و امید به فردای روشن او را به حرکت وادار می نماید و با پشتکار و پایداری مشغول تهیه و تدارک توشه آخرت میشود.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره تفاوت مؤمن به معاد و کافر به الله معاد می فرماید:

«الْمُؤْمِنُ يَتَزَوَّدُ وَالْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ»

(بحار ج 17 ص 1467)

مؤمن از دنیا برای آخرت خود زاد توشه می سازد و کافر از

ص: 18

دنیا فقط بهره دنیوی می برد.

آری کافر فقط به دنیا می اندیشد و شعارش کار، مسکن، شهوت و لذات دنیاست و هیچگونه توجهی به جهان دیگر ندارد جاودانه در جای دیگر است قرآن می فرماید:

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ»

(نجم - 29 و 30)

از هر کسی که از یاد ما روی بر می گرداند اعراض کن، همان که فقط زندگانی دنیا را اراده کرده است. این است اندازه درک و آگاهی آنها و خدای تو بهتر می داند چه کسی از راه منحرف شده و چه کسی راه هدایت را برگزیده است.

البته منکرین معاد موقعی به اشتباه خود پی می برند که کار از کار گذشته و چاره ای جز چشیدن عذاب الهی را ندارند.

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»

(ملک - 10)

اگر در دنیا حرف حق را می شنیدیم و عقل خود را به کار می انداختیم امروز از اهل آتش سوزان نبودیم.

«الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ»

(محمد(صلی الله علیه و آله)-12)

کافران چون چهارپایان می خورند و از دنیا بهره می جویند و البته دوزخ جایگاه آنهاست.

در مقابل اهل ایمان با نگرش به آینده و امید به روزهایی بهتر از دنیا در هنگام خوردن و آشامیدن و بهره بردن از دنیا به یاد خدا و نعمتهای فراوان اویند و حمد و سپاس حضرتش را بجا

ص: 19

می آورند و برای جهان آخرت و جایگاه جاوید خویش کارهایی که مورد پسند پروردگار متعال است انجام میدهند و هیچگاه مثل منکرین معاد به آخر خط نمی رسند که بعد از خوش گذارانیها و انواع و اقسام لذات حرام و اعتیاد به چیزهای خانمان سوز دست به نابودی و تخریب خود بزنند.

مولایمان علی (علیه السلام) در توصیف مردم هدفمند و آینده نگر می فرماید:

«كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَلَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا؛ عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ وَبَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْذَرُونَ؛ تَقَلَّبُ أَبْدَانِهِمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ وَبِرُونَ أَهْلِ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتِ أَجْسَادِهِمْ، وَهُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ.»

(خطبه-31)

مردمی هستند که بین مردم دنیا زندگی میکنند اما اهل دنیا نیستند. در دنیا هستند ولی مثل کسی که در آن نیست. عمل آنها در دنیا از روی بصیرت و هشیاری است و در مسایل مربوط به تقوی و پرهیزکاری گوی سبقت را از دیگران ربوده اند. بدنهایشان گر چه در بین مردم دنیاست، ولی در واقع بین مردم آخرت در گردش است. مردم دنیا را می بینند که به مرگ بدنها و اجسادشان خیلی اهمیت می دهند ولی آنها سخت و شدید نگران مرگ و دلهای زنده خویش هستند.

در جای دیگر می فرماید:

«إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، وَاسْتَعْلَمُوا بِأَجْلِهَا إِذَا اشْتَعَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا؛ فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ، وَتَرَكَوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيُتْرَكُهُمْ.»

(حکم و مواعظ -424)

ص: 20

دوستان خدا کسانی هستند که به باطن دنیا نظر می کنند در حالی که مردم به ظاهر آن می نگرند. آنها به فردای دنیا پرداختند، در حالی که مردم خود را سرگرم امروز آن ساختند. بنابراین دوستان خدا آنچه را ترس داشتند می رانند و سرکوب کردند و آنچه را از دنیا دانستند بزودی آنها را ترک کنند.

آفرینش بی هدف نبوده

آیات متعددی در قرآن داریم که حکایت از هدفمندی از خلقت موجودات و آفرینش دنیا و آخرت میکند.

در همه این نوع آیات بر این نکته استدلال شده که هیچ چیز را در دنیا و آخرت بدون هدف خلق نکرده و همه بر اساس حق و اهدافی عالی بوده است.

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»

(ص - 27)

ما آسمان و زمین و آنچه را که در آنهاست، بیهوده نیافریده ایم. این گمان کافران است، پس وای بر کافران از آتشی که برای ایشان است!

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»

(انبیاء - 16)

ما آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست بازیچه نیافریده ایم.

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

(مؤمنون - 115)

آیا گمان کردید که شما را بیهوده خلق کردیم و شما به سوی هر ما بازگشت نخواهید کرد؟!

«رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

(آل عمران - 191)

ص: 21

پروردگارا تو آفرینش را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو، پس ما را از عذاب جهنم حفظ کن.

نتیجه این آیات این است که جهان آفرینش داری هدف است و خداوند بر اساس حکمت خویش هیچ چیز را بیهوده و بازیچه نیافریده و بلکه از خلقت موجودات منظوری داشته است.

منظور از خلقت انسان بندگی و طاعت حضرت حق و در پایان رسیدن به کمال و تعالی و بعد گرفتن پاداش خوبیها و کردار شایسته است.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

(الذاریات - 56)

ما جن و انسان را خلق نکردیم جز برای اینکه عبادت کنند. توجه فرمودید که آفرینش بی هدف نبوده و هدف درستی را دارد. لغاتی در آیات به کار رفته بود عبارت بود از باطل یعنی چیزی که مقابل حق است، عبث، کار بی هدف و بیهوده است، الغب، کاری که منظم و هدفدار هست ولی هدف آن خیالی است نه واقعی و عقلی مثل بازی بچه ها.

یکی از اسماء الهی حکیم است که 97 بار در قرآن تکرار شده یعنی تمام کارهای الهی حکیمانه است بلکه خدای حکیم کار عبث و باطل و لعب انجام نمیدهد.

مولایمان علی (علیه السلام) می فرماید:

«وَلَمْ يُرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ لِعِبَادٍ وَ لَمْ يُنَزِّلِ الْكُتُبَ لِلْعِبَادِ عَبَثًا وَ لَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ.»

خداوند پیامبرانش را برای بازی نفرستاد و همچنین کتابهای آسمانی را برای بندگانش بیهوده نازل فرموده و آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست بی هدف و گزاف خلق نکرده است آن گمان

ص: 22

کافران است، پس وای بر کافران از آتشی که برای ایشان است!»

همو فرمود:

«وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يُرْسِلْكُمْ هَمَلًا، عَلِيمٌ مَبْلَغٍ نِعْمِهِ عَلَيْكُمْ وَ أَحْصَىٰ إِحْسَانَهُ إِلَيْكُمْ»

ای بندگان خدا بدانید که خداوند تبارک و تعالی شما را عبث و بیهوده خلق نکرد و شما را بی سرپرست و به حال خود نگذاشت، ارزش نعمتها و شمارش نیکوئیهایش را برای شما دانست.

فصل بهار نمونه ای از قیامت

فصل بهار هنگامی که درختان بی برگ و میوه و زمین مرده ام زنده می شوند و طراوت خاصی به فضای اطراف خود می بخشند انسان در این بین متوجه می شود که قیامت کوچکی برپا شده و حیات تازه ای به وجود آمده است.

«وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ»

(فاطر 9)

و خداوند همان است که بادهای روانه کرد تا ابرها را برانگیزند و ما آنها را به سوی زمین های مرده می رانیم و زمین مرده را به آن زنده می کنیم، قیامت هم اینگونه است.

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

(حج - 5 و 6)

ص: 23

و میبینی زمین را در حالی که خشک و مرده شده ولی هنگامی که آب بر آن نازل کنیم، به حرکت در آید و می روید از هر نوع گیاهان زیبا و با طراوت می رویاند. این بدین خاطر است که خدا حق است و او مردگان را زنده می کند و او بر هر چیزی تواناست.

راستی فصل بهار شگفت انگیز و نمونه جالبی برای اثبات معاد است اینکه خداوند تبارک و تعالی پس از شرح زنده کردن زمین و سرسبز شدن درختان و گیاهان می فرماید «كذلک النشور» قیامت نیز این چنین است قابل دقت و توجه است.

بینیم که مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه چه می فرمایند: پروردگار از آن ابرها باران تند و پی در پی روان گردانید و آن ابرهای پر باران به زمین نزدیک شدند و باد جنوب آنها را نوازش داد تا بار خود را بر زمین فرو آورند. سینه نزدیک زمین آوردند و آن بارگرانی را که برداشته بودند بر زمین افکندند و هر چه آب داشتند بیاریدند و در نتیجه خداوند از زمینهای خشک گیاه بیرون آورد و از کوههای کم گیاه سبزه پدیدار ساخت و زمین به خاطر سبزی و خرمی که به وجود آمده بود در شادی به شگفت آمد و لباس نرم گلها و از گردنبندهایی از گلهای تازه و به هم پیوسته خودپسندی پیشه ساخت و فخر فروشی کرد.

(خطبه - 90)

مرگ و برزخ

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء-35)

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید.

قرآن مرگ را برای هر صاحب روحی حتمی میدانند و هیچ راه گریزی برای آن نیست، اولیاء و پیامبران که بهترین خلق خدا

ص: 24

بودند نیز مردند.

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»

(رحمان - 26 و 27)

هر که بر روی زمین است فانی شدنی است و فقط ذات پروردگارت که درای جلالت و کرامت است باقی می ماند.

مولایمان علی (علیه السلام) می فرماید:

خداوند نابود کننده پدیده ها پس از آفرینش است که گویا موجود نبود. نابودی جهان پس از پدید آمدن شگفت آورتر از آفرینش آن نیست. چگونه محال است؟ در حالی اگر همه جانداران جهان گرد هم آیند تا پشه ای را بیافرینند، نتوانند و راه پیدایش آن را نمی شناسند. و همانا پس از نابودی جهان، فقط خدای سبحان باقی می ماند. تنهای تنها که چیزی با او نیست، هم مع آن گونه که قبل از آفرینش جهان چیزی با او نبود، نه زمانی و نه مکانی بی وقت و بی زمان. در آن هنگام، مهلتها سرآید و سالها و ساعت ها سپری شود و چیزی جز خدای یگانه قهار باقی نماند که بازگشت همه چیز به سوی اوست. (خطبه - 186)

تقدیر حتمی و عمومی همه صاحبان روح مرگ رفتن از این دنیا است خواه ناخواه این مرحله برای همه خواهد بود چنانکه حضرت باری تعالی می فرماید:

«نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ»

(واقعہ - 60)

ما مرگ را برای شما مقدر کردیم و کسی بر قدرت ما پیشی نمی گیرد.

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّرَةٍ»

(نساء - 78)

هرکجا باشید، مرگ شما را می یابد، اگر چه در برجهای سخت

ص: 25

آنهايي که مرگ و برزخ و قيامت را باور دارند ترسي از مرگ ندارند چون مي دانند که پس از مرگ زندگي بهتر از دنيا خواهند داشت.

و اگر مولايمان علي (عليه السلام) مي فرمايد:

«وَاللَّهِ لَا بِنُ أَبِي طَالِبٍ آسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ» (خطبه-5)

سوگند به پروردگار که پسر ابيطالب علي به مرگ مانوستر است از کودک به پستان مادر.

حمزه سيدالشهداء (عليه السلام) ما در دوران جواني و قبل از اسلام در جنگها زره بر تن مي پوشيد، ولي پس از اسلام بدون پوشيدن و ه زره به ميدان جنگ مي رفت: علت آن را پرسيدند، در پاسخ گفت: من قبل از اسلام وداع با اين جهان را فنا و نستي مي دانستم ولي اينک در پرتو آيين محمدي (صلي الله عليه و آله) خود را در برابر اين حيات فاني زبون و ناتوان نمي بينم و وداع با آن را دريچه اي به سوي رحمت بيكران الهي مي دانم.

درباره حبيب بن مظاهر رضوان الله تعالى عليه نقل شده که روز عاشورا خندان است علت را از او پرسيدند، پاسخ داد امروز مناسب ترين روز شادمانی است زیرا طولی نمی کشد که پس از شهادت در کنار حورالعین خواهیم بود.

ترس از مرگ و مردن عواملی دارد که یک مورد آن طبیعی 26م است چون باید از دنیا و دوستان جدا شد و جدا شدن از آنچه که و عمری با آن مانوس بوده ایم سخت است.

ديگر آنکه منکرين برزخ و معاد چون مرگ را پايان همه چيز ميدانند و به پس از مرگ معتقد نيستند در نتيجه از مرگ نفرت

دارند و دوست دارند که مرگ نباشد و راه برای انجام کارهای خلاف آنها همچنان باز باشد.

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا أَمَامَهُ»

(قیامت - 5)

بلکه این انسان می خواهد پیش رویش باز باشد. عامل سوم ترس از مرگ مجازاتهای اخروی برای مجرمین و گنهکاران است.

فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

(جمعه - 6 و 5)

تقاضای مرگ کنید اگر راست می گوئید، که هرگز تقاضا نخواهید کرد، به خاطر آنچه از پیش برای قیامت خود ر فرستاده اید و خدا آگاه به رفتار ستمکاران است.

مولایمان امیرالمؤمنین می فرمود:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ»

(حکم و مواعظ - 14)

مباش از کسانی که از مرگ کراهت دارد به خاطر فراوانی گناهِش!

شخصی به امام حسن (علیه السلام) عرض کرد چرا ما مرگ را دوست نداریم امام فرمود:

«إِنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ أَخْرَبْتُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ، فَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ النُّقْلَةَ مِنَ الْعُمُرَانِ إِلَى الْخَرَابِ»

(بحار ج 7 ص 129)

چون شما آخرت خود را ویران و دنیا خود را آباد نموده اید، بدین جهت دوست ندارید که از آبادی به ویرانه منتقل گردید. و ب نیز مردی به رسول الله (صلی الله علیه و آله) عرض کرد ای رسول خدا چرا من مرگ را دوست ندارم فرمود:

الْكَمْ مَالٌ آيَا ثَرَوْتَ دَارِيْ كَفْتِ آرِيْ فَرَمُوْد، فَقَدَمْتَه؟

ص: 27

آیا چیزی برای آخرت خود تدارک نمودهای؟ گفت: خیر، فرمود:

«فَمِنْ ثَمَّ لَا تُحِبُّ الْمَوْتَ» (خصال ص 47)

به همین علت مرگ را دوست نمیداری.

مولایمان علی (علیه السلام) در یک خطبه به طور مبسوط به مسئله مرگ و برزخ پرداخته که ترجمه آن از نظر تان می گذرد.

این بیانات را امام (علیه السلام) بعد از تلاوت

« أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ »

ایراد فرمود: «زیادی مال و ثروت دنیا شما را به غفلت کشاند تا به قبرها رسیدید»

(تکاثر - 1 و 2)

وای که چه هدف و مقصد دوری است و چه دیدار کنندگان دغافلی آن هم غفلت از خطری که این اندازه شدید و هولناک است.

از جای خالی مردگان عبرت نگرفتند. در حالی که بسی مایه عبرت است. آنها راه نزدیک عبرت گرفتن را رها کردند و از جایی دور و بی ثمر از مرده های خود طلب افتخار می کنند. آیا به مکانهایی افتخار می کنند که پدرانشان در آن خفته اند و یا به تعداد هلاک شدگانشان می نازند. گویی جسدهایی از روح تهی شده و بی حرکت را به دنیا باز می گردانند در حالی که این وضع برای عبرت گرفتن سزاوارتر است از فخر فروشی.....

بعضی پادشاه و بعضی رعیت و فرمانبر، همگی راه خویش را تا به درون برزخ طی کردند. که در آن عالم زمین بر آنها چیره شده گوشت بدنشان را خورده و خونهایشان را آشامیده است. پس صبح کرد در حالی که در شکاف قبرهایشان بی حرکت و چون جماد شدند.

ص: 28

دیگر هولها آنها را نگران نمی کند و دگرگونیها محزو نشان نمی سازد و از زلزله ها هراسی ندارند و صدای بادهای شدید را نمی شنوند غایبانی هستند که کسی در انتظارشان نیست، حاضرانی هستند که حضور ندارند و در میان جمع نیستند، آری در گذشته در جمع بودند و بعد پراکنده شدند. باهم الفت داشتند و بعد متفرق شدند.

اخبار مربوط به آنها نامعلوم و خانه هایشان خاموش مانده، البته نه به خاطر طولانی بودن زمان و یا دوری مکان، بلکه جامی به آنها نوشتند که گویا نطقشان را به گنگی و قدرت شنیدنشان را به کری و حرکاتشان را به سکون مبدل ساخته است. گویی چون افراد بیهوش به خاک افتاده و خوابیده اند.

در عین حال که قبرهایشان کنار هم و همسایه یکدیگرند. اما با هم انس نمی گیرند، دوستانی هستند که به دیدار یکدیگر نمی روند، ارتباطات برادری و آشنایی بینشان قطع شده و یا اینکه یکجا هستند ولی همه آنها غریب و تنها می باشند و با اینکه دوستان یکدیگرند ولی از هم جدایند. شب و روز را تشخیص نمی دهند. آن شب و یا روزی که از دنیا رفته اند برایشان همیشگی است.

خطرها و حالات سخت آخرتشان را شدیدتر از آنچه می ترسیدند مشاهده کردند و علایمی را دیدند که بزرگتر از آنچه بود که فکر می کردند و این دو حالت در نعمت بودن و یا عذاب برایشان ادامه دارد تا قیامت برپا شود و در آن فاصله برای دوزخیان نهایت ترس و بهشتیان نهایت امیدواری هست...

حالا اگر به کمک عقل حال و وضع ایشان را تصور کنی و یا پرده ها از جلوی چشمت کنار روند و چشم برزخی پیدا کنی

خواهی دید که چگونه گوشه‌هایشان از انبوه خزندگان کرشده و دیده‌هایشان از خاک قبر نابینا گشته و زبانهایشان پس از نطق و بیان لال گردیده و دل‌هایشان پس از بیداری به خواب رفته است. و در هر عضو بدنشان پوسیدگی تازه‌ای آن را زشت کرده و به تباهشان ساخته مشاهده می‌شود و راه‌های ضربه‌زدن به آنها آسان گردیده در حالی که اندامشان آسیب پذیر گشته و دست‌هایی ندارند که از خود دفاع کنند و نه دل‌هایی که ناله و فریاد نمایند...

«وَإِنَّ لِلْمُوتِ لَغَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفِّهِ أَوْ تَعْتَدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا»

(خطبه - 212)

راستی که مرگ را سختی‌هایی است که در بیان و الفاظ و نگنجد و عقل‌های مردم دنیا آن را درک نکنند!!

آری در عالم برزخ هر انسانی می‌تواند از مواهبی نیز برخوردار باشد و عمل در آن مرحله منقطع نیست یعنی اگر صدقات جاریه‌ای باشد برای شخص برزخی ثواب و پاداش پی در پی هست همان‌طور که عمل زشت باقی مانده برای برزخی عذاب مضاعف دارد.

«وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون - 100)

و پیش روی آنان از هنگام مرگ تا روزی که مبعوث می‌شوند برزخی است. برزخ یعنی حایل بین دو چیز و چون ارواح بین دنیا و آخرت قرار می‌گیرند به آن محل برزخ گفته می‌شود.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: برزخ همان عالم قبر است که پاداش و کیفر میان دنیا و آخرت است. به خدا ما بر شما و نمی‌ترسیم، مگر از برزخ.

(آیه‌های زندگی ص 27)

از آیاتی که دلالت بر نعمتهای الهی در عالم برزخ میکند این آیه است:

ص: 30

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

(نحل - 32)

همان کسانی که فرشتگان در حالی که پاکیزه اند روح آنها را می گیرند و بدانها می گویند: سلام بر شما. داخل بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام میدادید.

مرحوم طبرسی می گوید:

(مجمع البيان ج 3 ص 421)

و در این دلالتی بر نعمتهای قبر و برزخ است.

درباره شهداء و برخورداری از نعمتهای الهی آیات متعددی در قرآن است که حکایت از زندگی شاد و شیرین شهداء در عالم برزخ میکند

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

(آل عمران - 169 و 170)

گمان می برید آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

از آنچه خداوند از فضل خویش بدانها بخشیده خوشحالند و از سرنوشت آنهایی که به دنبالشان می آیند و هنوز به آنها ملحق نشده اند، شادمانند که نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند.

و همین عبارات یرزقون، فرحین، یستبشرون دلالت بر زنده بودن شهیدان و بهره مندی آنان از نعمتهای الهی در عالم برزخ می کند.

ص: 31

و درباره مجرمین و کافران عذاب برزخشان بدین گونه بیان شده است:

« وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ »

(مؤمن - 45 و 46)

و آل فرعون را گرفتار عذاب سختی کرد، آتش را صبح و شب بر آنها عرضه می دارند و در روز قیامت فرمان داده شود، آل فرعون را به سخت ترین عذاب وارد جهنم کنید.

توجه فرمودید که عرضه دادن آتش قبل از قیامت برای آل فرعون مربوط به عالم برزخ میشود و در واقع «سوء العذاب» و اشاره به برزخ «أشد العذاب» اشاره به قیامت آنهاست. و عرضه وام دادن آتش صبح و شام برای آنها ممکن است اشاره به پیوستگی عذاب باشد و نیز ممکن است ذکر آن به این خاطر است که چون رابطه اهل برزخ به کلی با دنیا قطع نشده است به گونه ای به زمان صبح و شام نسبت دارند و در قیامت به طور قطع صبح و شامی وجود ندارد.

زنده شدن مردگان:

طبق گفته قرآن شریف دوبار در صور دمیده می شود و در بار اول همه می میرند و دربار دوم همه زنده می شوند.

« وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ »

(زمر - 68)

در صور دمیده می شود آنگاه هرچه در آسمانها و زمین هست بیهوش می شوند جز آنهایی را که خدا بخواهد سپس بار

ص: 32

دوم در صور دمیده می شود. ناگهان همگی به پا می خیزند و تماشا می کنند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: فاصله بین دو نفخه صور چهارصد سال خواهد بود.

(تسلیه الفؤاد ص 34)

آری خداوند تبارک و تعالی به راحتی و سادگی دمیدن در شیپور اهل آسمانها و زمین را می میراند و دوباره با همین دمیدن در شیپور توسط اسرافیل آنان را زنده می کند.

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (زلزال-6)

در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا حساب اعمالشان به آنان نشان داده شود.

«إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ»

(یس - 57)

دمیدن در صور دوم جز یک فریاد نیست، پس ناگهان همگی نزد ما حاضر خواهند شد.

نامه عمل

مردم در روز قیامت از نظر عمل و رفتارشان به سه گروه تقسیم می شوند، اصحاب یمین، دست راستیها که نامه عمل

ص: 33

آنان به دست راستشان داده میشود و اصحاب شمال، دست چپها که نامه عمل آنان به دست چپشان داده می شود و سابقون یعنی همانهایی که در رفتن به بهشت از دیگران سبقت می گیرند.

«وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً، أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ، وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»

(واقعه -7 تا 12)

و شما مردم به سه دسته تقسیم می شوید، گروهی سمت راستها که چه سمت راستها، و گروهی سمت چپها که چه سمت چپی ها، گروهی هم پیشگامان که پیشی گرفته اند، همان هایی که مقربند، در باغهای پر نعمت بهشت جای دارند.

نامه اعمال اصحاب یمین

اهل تقوی اهل ایمان و یقین

روز محشر باشد اندر دست راست

صاحب این نامه از غمها رهاست

این جواز ره گشای جنت است

این برات جاودانه رحمت است

نامه اعمال اصحاب شمال

آن تبهکاران بس افسرده حال

باشد اندر دست چپ روز شمار

رمز محکومیت اصحاب نار

نامه شرمندگی و حسرت است

حکم بدکاران دور از رحمت است

«فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا، وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا»

(انشقاق - 7 تا 11)

اما آن کسی که نامه عملش را به دست راست او می دهند، پس به زودی حساب آسانی از او می شود، و شادمان به خانواده اش بر می گردد.

واما آن کسی که نامه عملش به پشت سرش داده می شود، به زودی فریاد می زند که من هلاک شدم!

از رسول (صلی الله علیه و آله) سؤال شد که

« مَا الْحِسَابُ الْيَسِيرُ أَنْ يَنْظُرَ فِي كِتَابِهِ فَيَتَجَاوَزَ لَهُ عَنْهُ »

(در المثور سیوطی ج 6 ص 329)

حساب آسان در روز قیامت چگونه است؟ فرمود: به نامه عمل نظری افکنده می شود و به نفع صاحبش گذشت می گردد. امام صادق (علیه السلام) هم درباره گروه سوم یعنی سابقون می فرماید:

«هُم رُسُلُ اللَّهِ وَخَاصَّةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ»

(تفسیر صافی ص 519)

ایشان پیامبران الهی و خاصان درگاه اویند.

دیدن نامه عمل الزامی است و استثناء ندارد با این تفاوت بعضی مشمول ارفاق پروردگار قرار میگیرند و بعضی شایسته ارفاق نیستند و هر کس در گرو اعمال خود هست.

«وَكُلِّإِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا أَفْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (اسراء - 13 و 14)

هر انسانی پرونده اعمالش بر گردن اوست، آنگاه در روز قیامت در حالی که نامه اعمالش گشوده است، برای او بیرون

ص: 35

می آوریم.

به او گفته می شود: بخوان نامه عملت را، کافی است که امروز خود قضاوت کنی و حسابگر خویش باشی.

و نامه خود را بخوان از نیک بد

خود توئی بر کرده ها خود سند

بر تو امروز است نفس خود حسیب

هم تو را ز افعال خود باشد نصیب

پاسخ به سؤالات:

و یکی از مطالبی که در بحث معاد مطرح است سؤالاتی است و. که در قبر و بعد از عالم قبر و برزخ در صحنه قیامت می شود.

رسول الله (صلی الله علیه و آله) می فرمود: فرشتگان بر اهل قبور وارد می شوند و درباره مسایل دین از آنان سؤال می کنند. در برخی روایات آمده که دو فرشته بنام نکیر و منکر بر میت وارد شده و از او درباره خدا، پیامبر، دین و امام سؤال میکنند هرگاه پاسخ درست بگوید او را به فرشتگان ثواب تحویل می دهند و در غیر این صورت او را به فرشتگان عذاب می سپارند و در بعضی روایات آمده نام دو فرشته ای که در قبر بر کافران وارد می شوند منکر و نکیر دو فرشته ای که مأمور سؤال از مؤمنان هستند «مبشر و بشیر» نام دارند.

(فروع کافی ج 1 ص 235)

مرحله بعدی پاسخ به سؤالات در صحنه قیامت است که همه وهم مورد سؤال واقع خواهند شد حتی پیامبران الهی

«فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»

(اعراف - 6)

از مردمی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند و نیز از

ص: 36

پیامبران‌شان می‌پرسیم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ذیل این آیه می‌فرماید: روز قیامت پیامبران به پا داشته می‌شوند و از آنان درباره اداء امر رسالت و ابلاغ دین حق به امت‌های خودشان سؤال می‌شود. پاسخ می‌گویند: ما ابلاغ رسالت نمودیم و مأموریت خویش را انجام دادیم، آنگاه از امت‌ها در این باره سؤال می‌شود و آنان گفته پیامبران را انکار میکنند و میگویند دین خدا را به ما ابلاغ نمودند. و سپس امام (علیه السلام) آیه ای را که خداوند از سؤال پیامبران و امت‌های آنان در قیامت خبر داده یاد فرموده است.

(تفسیر صافی ص 188)

مواردی در قرآن به چشم می‌خورد که خداوند تبارک و تعالی تصریح می‌کند از چه چیزهایی سؤال خواهد شد.

در یک جا بحث سؤال از همه گروه‌ها است:

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

(حجر - 15 و 16)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را مؤاخذه خواهیم کرد نسبت به آنچه عمل کرده اند.

«وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات-37)

آنان را نگاه دارید که بازخواست می‌شوند.

سؤال از افتراها و دروغها:

«تَاللَّهِ لَنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَقْتُرُونَ»

(نحل - 56)

سوگند به پروردگار، از دروغهایی که ساخته اید مؤاخذه خواهیم شد.

از نعمتها و در رأس آنها از نعمت ولایت سؤال می‌شود:

«ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»

(تکواثر - 8)

ص: 37

و آنگاه در روز قیامت از نعمتها بازخواست خواهید شد. از وفای به عهد سؤال می شود:

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»

(اسراء - 34)

به عهد خود وفا کنید که درباره وفای به عهد سؤال خواهد شد. از گوش، چشم و دل همگی پرسش می کنند:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»

(اسراء-36)

چیزی که درباره آن آگاهی نداری دنبال مکن زیرا که گوش و چشم و دل همگی مورد مؤاخذه و سؤال قرار خواهند گرفت.

محمد بن مسلم زهری از اشخاص مشهور و شناخته شده عصر بنی مروان بود و از جهت عقل و هوش و اطلاعات دینی و سرآمد دیگران بود و به نفع خلفای جور فعالیت می کرد امام سجاد نامه مبسوطی که حاوی تذکرات لازم و اندرزهای مفید بود به وی نوشت و او را از مسیر زیانبار و خطرناکی که در پیش گرفته آگاه ساخت و چنین فرمود:

«كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتَنِ وَرَحِمَكَ مِنَ النَّارِ فَقَدْ أَصْبَحْتَ بِحَالٍ يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَكَ بِهَا أَنْ يَرْحَمَكَ»

خداوند، ما و تو را در زمینه امتحانات و بلاها، از کمک و یاری دیگران بی نیاز فرماید و از آتش خشمش تو را مورد ترحم قرار دهد.

بی گمان شبت را در حالی به روز آورده ای که سزاوار است هر همه کس تو را می شناسد بر تو رحم کند و بر بدبختیت تأسف بخورد!

«فَانظُرْ أَيُّ رَجُلٍ تَكُونُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَسَأَلَكَ عَنْ نِعْمِهِ عَلَيْكَ كَيْفَ رَعَيْتَهَا وَعَنْ حُجَجِهِ»

ص: 38

عَلَيْكَ كَيْفَ فَضَيْتَهَا وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ قَابِلًا مِنْكَ بِالتَّعْذِيرِ وَلَا رَاضِيًا مِنْكَ بِالتَّقْصِيرِ»

بین، فردا که برای حساب در پیشگاه پروردگار حاضر می شوی چگونه مردی خواهی بود. از تو سؤال می کند نعمتهائی را که به تو عطا نموده، چگونه رعایت نمودی؟ درباره دلایلی که بر تو ارائه داشته در گفتار و عمل چه قضاوتی داشتی؟ گمان مبر که خداوند از مردی عاقل و عالم همانند تو عذر می پذیرد یا از تقصیرت میگذرد.

بدان ناچیز ترین عملی را که به طور پنهان انجام داده ای و خفیف ترین وزری را که بر دوش کشیده ای این است که نگرانی ظالم را در ظلمی که مرتکب می شود برطرف نمودی و راه ستمکاریش را هموار ساختی و این کار ناروا موقعی صورت پذیرفت که تو با ظالم نزدیک شدی و دعوتش را اجابت نمودی. چیزی که حق تو نبوده از دهنده آن گرفتی و به کسی نزدیک شدی که چون تو را در کنار خویش جای داد نه حقی را به صاحب حق رساند و نه باطلی را از مسیرش گرداند. تو با این روش، دشمن خدا را به دوستی گرفتی.

«فَانظُرْ لِنَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يَنْظُرُ لَهَا غَيْرُكَ ، وَحَاسِبُهَا حِسَابَ رَجُلٍ مَسْئُولٍ»

با چشم بصیرت به خویشتن نظر افکن و درباره خود بیندیش که دیگری با چشم پاکسازی و اصلاح در تو نمی نگرد. نفس خود را در معرض محاسبه دقیق قرار ده و از او حساب مردی را بخواه که در موضوع محاسبه مورد مؤاخذه و سؤال واقع خواهد شد.

(تحف العقول ص 276)

ص: 39

یکی از مواقف قیامت موقف و ایستگاه سنجش اعمال است در آنجا کارهای خوب و بد مردم را می سنجند.

«وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ»

(انبیاء - 47)

روز قیامت ترازوی عدالت را بر پا کنیم و به هیچ کس ظلمی روا نخواهد شد و اگر اعمال به اندازه دانه خردلی باشد، آن را حاضر میکنیم و کافی است ما حسابگر مردم باشیم.

مردی بی دین از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد معنی میزان در قیامت چیست؟ فرمود: مراد عدل است. پرسید پس معنی این و جمله که در قرآن آمده کسی که میزان اعمالش سنگین باشد چیست؟

«مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ»

(احتجاج طبرسی ج 2 ص 98)

فرمود: فَمَنْ رَجَّحَ عَمَلَهُ، مقصود برتری رجحان عمل خیر است.

محمدبن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: خداوند اعمال خیر را در دنیا بر مردم سنگین قرار داده است چه آن اعمال، مخالف غرائز و منافی با تمایلات نفسانی شهوات آنان است. کسانی که در دنیا با هوای نفس خویش مجاهده می کنند و اینکارهای سنگین و خلاف میل را انجام میدهند میزان برای عملشان در قیامت ثقیل و سنگین است و بدینوسیله موجبات رستگاری و نجاتشان فراهم می آید. خداوند شر و بدی را در دنیا بر مردم سبک قرار داده است زیرا که اعمال بر وفق تمایلات نفسانی و غرائز آنان است.

(سفینه البحار ج 2)

ص: 40

کسانی که در دنیا مرتکب این اعمال می شوند در قیامت میزان عملشان سبک خواهد بود و همین امر موجب خسران و مایه گرفتاری و عذابشان می گردد.

قرآن سنجش اعمال را در عرصه قیامت عدل میداند یعنی تمام کارهای خوب و بد مردم بر اساس عدل سنجیده می شود و و بر هیچ انسانی ظلمی واقع نخواهد شد همان طور که در آیه 47 سوره انبیاء بدان اشاره شد.

از نظر روایات سنجش اعمال در روز قیامت به وسیله امامان معصوم (علیه السلام) است.

هشام بن سالم می گوید از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه

«وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»

پرسیدم؟ فرمود:

«هَمَّ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ»

سنجش بوسیله پیامبران و اوصیاء آنها انجام می گیرد. همان گرامی فرمود:

«كُلُّ أُمَّةٍ يُحَاسِبُهَا إِمَامٌ زَمَانِهَا وَ يَعْرِفُ الْأَئِمَّةَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعْدَاءَهُمْ بِسِيمَاهُمْ»

(تفسیر صافی ص 193)

حسابگر هر امت در قیامت امام زمان آن است و ائمه (علیه السلام) دوستان و دشمنان خود را از چهره های آنان می شناسند.

امام باقر (علیه السلام) همراه پدر بزرگوارش امام سجاد (علیه السلام) در نجف اشرف کنار قبر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمدند امام باقر (علیه السلام) فرمود: پدرم کنار قبر ایستاد و گریست و ضمن سلامهای متعدد این سلام را به حضور جد بزرگوارش تقدیم داشت.

«السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ وَ مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَ سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ»

(مستدرک الوسائل ج 2 ص 197)

ص: 41

سلام بر امیر بزرگ ایمان و سنجش اعمال و شمشیر خداوند صاحب جلال.

امیرالمؤمنین وسیله سنجش اعمال است هر مسلمانی که به آن گرامی در عمل بیشتر شباهت داشته باشد کفه عملش سنگین تر است و هر چه شباهتش کمتر باشد کفه اش سبکتر و اگر از کفار باشد از صف مؤمنین خارج و مطرود است.

عبور از پل دوزخ

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا آتَاكُمْ عَلَى الصَّرَاطِ وَمَزَالِمْ دَخَلِهِمْ وَأَهْوِيلِ زَلَّهِ وَتَارَاتِ أَهْوَالِهِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَدَّ غَلَ التَّفَكُّرِ قَلْبُهُ، وَ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ»

بدانید، عبور شما بر پل دوزخ است که قدمها بر آن می لغزد و انسان دچار ترس و وحشت می گردد.

پس از خداوند تبارک و تعالی بترسید، مثل ترس یک انسان متفکر که تنش رنجور شده است.

در سوره مریم خداوند تصریح دارد که همه باید وارد جهنم شویم ولی اهل تقوی از آن نجات پیدا میکنند و منظور از ورود به جهنم یعنی عبور از روی آن است. صراط پلی است که بر روی جهنم کشیده شده.

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا»

(مریم - 71 و 72)

همه شما وارد جهنم می شوید، زیرا این حکم قطعی پروردگار

ص: 42

توست. آنگاه اهل تقوا را نجات میدهیم و ستمگران را در حالی که به زانو در آمده اند در آن رها می سازیم.

لغت صراط به معنای راه است، چنان که دین صراط نامیده شده، ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) صراط گفته شده که در حدیث داریم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُمَا صِرَاطَانِ: صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ الطَّاعَةَ، مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهِ دَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ»

(معانی الاخبار ص 32)

صراط راه به سوی معرفت خداست و آن دو صراط است یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت، اما صراط در دنیا امام واجب الطاعة است کسی که او را بشناسد و از راهنمایی او پیروی کند در آخرت از صراطی که پل دوزخ است عبور خواهد کرد و کسی که او را در دنیا نشناسد در آخرت پایش لغزیده و در آتش دوزخ هلاک می شود. پل بر روی جهنم

«أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرَةِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ»

از موباریکتر و از شمشیر برنده تر است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گناهان و خطاها را باعث سرنگونی از گل صراط و افتادن در دوزخ می شمرد.

«أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسُ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ

ص: 43

خُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَفَحَّحَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ، أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أَعْطُوا أَرْمَتَهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ»

(خطبه - 16)

بدانید که لغزشها و خلاف کاریها همچون اسبان سرکشاند که اهل لغزش و خطا بر آنها سوارند، عنانشان رها شده، سوار خود را در دل آتش می افکنند و نیز بدانید که تقوی همانند مرکبی راهوار و آرام است که عنانش به دست صاحبش می باشد و در نتیجه سوار خود را راهی بهشت می سازد.

در حدیثی دیگر داریم که:

«يَجْعَلُهُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ عَرِيضًا وَعَلَى الْمَذْنِبِينَ دَقِيقًا»

خداوند صراط را برای مؤمنان پهناور و برای گنهکاران باریک قرار می دهد.

در روایتی که از ابن عباس نقل شده گروهی بسان برق از صراط میگذرند و گروهی به سرعت باد از آن عبور می کنند و جمعی به سرعت اسب دهنده و برخی چون افراد پیاده عبور می کنند و عده ای مانند حرکت بازانها می گذرند و افرادی چون حرکت با دست و سینه عبور می کنند.

(بحار ج 8 ص 66)

یک روز رسول الله (صلی الله علیه و آله) خطاب به علی (علیه السلام) فرمود:

«يَا عَلِيُّ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَقْعُدُ أَنَا وَأَنْتَ وَ جَبْرَيْلُ عَلَى الصِّرَاطِ، فَلَا يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ كَانَتْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بَوْلًا يَتِيكَ»

(بحار ج 8 ص 70)

یا علی زمانی که روز قیامت میشود من و تو و جبرئیل کنار پل عبور از جهنم می نشینیم هیچکس حق عبور ندارد مگر آنکه

ص: 44

همراهش برگهای از ولایت تو همراه داشته باشد.

بهشت و جهنم

عبدالله بن صالح هروی می گوید: از حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) درباره بهشت و دوزخ پرسش نمودم که آیا این دو امروز آفریده شده و مخلوقند؟ در پاسخ فرمود: بلی، رسول الله (صلی الله علیه و آله) در معراج داخل بهشت شده و دوزخ را نیز دیده است، عرض کردم کسانی می گویند بهشت و دوزخ در قضا و تقدیر الهی هستند و تاکنون آفریده نشده اند. فرمود: گویندگان این سخن از ما نیستند و ما هم از آنان نیستیم کسی که خلقت بهشت و دوزخ را انکار نماید پیامبر اسلام و ما را تکذیب نموده است.

(علم الیقین ص 1008)

«لَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَى عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى»

(سوره نجم - 13 تا 15)

و بار دیگر او را مشاهده کرد، در نزد سدره المنتهی در نزد بهشتی که محل سکونت است.

ابن عباس در تفسیر این آیه شریفه می گوید:

سدره: الْمُنْتَهَى

نقطه پایانی تکامل علمی دانشمندان است و پیشروی دانشمندان در آنجا پایان می یابد و از ماوراء آن کسی جز ذات اقدس الهی آگاهی ندارد از این آیه استفاده می شود که بهشت وجود دارد و پیامبر بدان داخل شده است.

(در المنثور سیوطی ج 6 ص 125)

بهشت دارای درجات و مراتب است و وسعت آن به وسعت آسمان و زمین است.

ص: 45

«هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ الدَّرَجَةُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ.»

چنین فرمود: در پیشگاه پروردگار درجات متفاوتی دارند سپس و امام(علیه السلام) فرمود: فاصله درجات با یکدیگر بقدر فاصله آسمان و زمین است.

(تفسیر برهان ج 1 ص 325)

جهنم نیز دارای وسعت و عمق طولانی است. رسول الله(صلی الله علیه و آله) فرمود: ویل، منطقه ای است در جهنم که کافر در آن سقوط می کند چهل سال مسیرش طی می شود پیش از آنکه به قعر دوزخ برسد

(جامع الاصول ص 142)

و علی بن ابراهیم در تفسیر خود آورده است: که دوزخیان در و به جهنم سقوط می کنند و فاصله ای را که مسیر هفتاد سال سیر دنیا است می پیماند و چون به وادی زیرین جهنم می رسند با صیحه کوبنده و شدید جهنم مواجه می گردند. آری بهشت و نعمتهای آن برای مؤمنین بر اساس لطف و رحمت پروردگار است ولی دوزخ برای کافران و جنایتکاران بر اساس استحقاق آنهاست و به خاطر کارهای زشتی است که مرتکب شده اند.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

(دخان - 51 تا 57)

البته اهل تقوا در جای امنی هستند، در باغها و کنار چشمه ها، لباسهایشان از حریر نازک و ضخیم است و در برابر هم می نشینند. و نیز آنها را با حورالعین تزویج می نماییم، در آنجا هر نوع میوه را بخواهند، در نهایت امنیت در اختیارشان قرار

میگیرد... این از فضل پروردگار توست و این همان رستگاری بزرگ است.

مولایمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرماید:

«وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةَ الثَّوَابِ، تَفْضُلًا مِنْهُ وَ تَوْسَعًا بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ.»

(خطبه - 216)

اما حقی را که خداوند برای خود به عهده بندگان قرار داده این است که او را اطاعت نمایند و برای آنان پاداش مضاعف در نظر گرفته و این فزونی و ازدیاد اجر، تفضلی است از جانب پروردگار و توسعه نعمتی است که شایسته مقام مقدس اوست.

رسول الله (صلی الله علیه و آله) می فرمود: قسم به آن کسی که جانم در قبضه قدرت اوست هیچیک از مردم بسبب اعمالی که انجام داده و است به بهشت نمی رود. عده ای عرض کردند ای رسول خدا حتی شما هم!؟

فرمود: من هم بر اثر اعمالم به بهشت نمی روم مگر آنکه خداوند مرا در پوشش رحمت خود جای دهد و مشمول تفضل خویش فرماید.

(تفسیر مجمع البیان ج 3 ص 280)

و درباره دوزخیان اینگونه آمده است که:

«وَتَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ذَلِكِ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ»

(آل عمران - آیات 181 و 183)

به دوزخیان می گوئیم بچشید عذاب سوزان را، این کیفر اعمالی است که در دنیا مرتکب شده اید و از پیش برای خود بهره فرستاده اید و خداوند به بندگان خود ستم نمی کند.

ص: 47

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

